تاریخ معاصر

حماسه بزرگی که در «ترکمنچای» دفن شد

هنگامی که از جنگ‌های ایران و روسیه تزاری سخن به میان می‌آید، عمدتاً خاطره تلخ عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای به ذهن متبادر می‌شود. گویی ایرانیان در این صفحه از تاریخ خود، حماسه‌ای نیافریده و رشادتی به خرج نداده‌اند. غافل از این که هر چند این جنگ‌ها، در نهایت به دلیل سست‌عنصری شاه قاجار و سنگ‌اندازی بدخواهان، به شکست اسفناک ایران انجامید؛ اما ایرانیان در دشوارترین شرایط و سخت‌ترین لحظات نبرد با دشمن، باز هم حماسه‌های جاویدانی خلق کردند، هر چند که درباره این رشادت‌ها کمتر سخن گفته شده‌است. یکی از صفحات زرین تاریخ مردم ایران که اتفاقاً در روزگار تاریک تسلط قاجارها رقم خورد، پیروزی در جنگ سرنوشت‌ساز «اچمیازین» بود. هنگامی که «محمدخان قاجار»، حاکم ایروان، سر از اطاعت حکومت ایران پیچید و خود را تحت‌الحمایه تزار قرار داد، عباس‌میرزا و نیروهای جان بر کف او، آذربایجان را به مقصد ایروان ترک کردند. سربازان سلحشور ایرانی در منطقه «اچمیازین» با سربازان تزار، به فرماندهی «سیسیانوف» روبه‌رو شدند. سربازان روس، مجهز به آخرین فناوری‌های نظامی بودند. توپخانه مدرن آن‌ها، قادر بود هر لشکری را به عقب براند و شکست را به طرف مقابل تحمیل کند؛ اما سربازان ایران، بیدی نبودند که با چنین بادی بر خود بلرزند. به فرمان ژنرال روس، گلوله‌باران سپاه ایران سه روز ادامه داشت. آتش بی‌امان دشمن تا پاسی از شب، بر سر دلاوران ایران می‌بارید؛ اما آن‌ها حاضر به ترک معرکه نشدند و در برابر دشمن، قدمی عقب‌نشینی نکردند. «سیسیانوف» خشمگین از تحقیر ارتش تابان دندان مسلح‌اش، فرمان آتش‌بس را صادر کرد و دستور داد پیاده‌نظام برای هجومی شبانه به اردوی ایران، آماده شود. شب هنگام، همهمه سپاه دشمن، دشت را پر کرد. سربازان ایرانی، سراسیمه آماده دفاع شدند. گلوله‌های سربی، سینه جوانان غیور این مرز و بوم را می‌شکافت. هسته مرکزی سپاه ایران، در حال از هم پاشیدن بود. اما وقتی پای غیرت و وطن‌دوستی در میان باشد، برای ایرانیان شکست دادن هر دشمنی، دور از انتظار نیست. طولی نکشید که غریو مردانه سربازانی که به یاری همرزمانشان آمده بودند، دل شب را شکافت. در زیر نور مشعل‌ها، برق شمشیرهای سواران چابک ایرانی می‌درخشید و زمین «اچمیازین» را با خون دشمنان متجاوز، رنگین می‌کرد. «سیسیانوف» مقهور رشادت ایرانیان شده بود. او چاره‌ای جز صدور فرمان عقب‌نشینی نداشت. دشمن از «اچمیازین» عقب‌نشست و شکست سنگین را پذیرفت. صبح روز بعد، ایرانیان در حالی که شهدای دفاع از میهن را به خاک می‌سپردند، آماده حمله‌ای دیگر بودند تا دشمن را به آن سوی باد کوبه برانند؛ اما افسوس که بی‌حمیتی فتحعلی‌شاه و حسادت و خیانت اطرافیان او، کار را بر سپاه دلاور ایران سخت کرد و آن‌ها را در مضیقه مهمات و آذوقه قرار داد. به این ترتیب، ثمره پیروزی قاطع ایرانیان در «اچمیازین» از یادرفت و یاد و خاطره این پیروزی تاریخی، در لابه‌لای صفحات سیاه تاریخ عصر قاجار، گم شد.

گزارش تاریخی

«جبهه ملی» کدام طرفی بود؟!

شاه با ساقط شدن دولت ملی دکتر مصدق در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، توانست به ایران بازگردد و قدرت را به دست گیرد. به اعتقاد بسیاری از مورخان، این واقعه، آغاز رسمی دوران دیکتاتوری و استبداد محمدرضا پهلوی است. با توجه به نوع رفتار شاه با مصدق، به نظر می‌رسید که اعضای جبهه ملی دیگر به رژیم پهلوی روی خوش نشان ندهند؛ اما چنین نشد. سرکردگان جبهه ملی نه تنها از رژیم روی گردان نشدند، بلکه رویکردشان در مسامحه با شاه، باعث خروج جریان‌های مخالف با رژیم پهلوی از بدنه جبهه ملی و شکل گرفتن جریان‌های معارض با دیدگاه‌های سیاسی و ایدئولوژیک مختلف شد. در این میان، تعدادی از اعضای برجسته جبهه ملی، به همکاری بسیار نزدیک با رژیم شاه روی آوردند و به مقامات اداری و اجرایی رسیدند. «هوشنگ نهاوندی»، از رجال سیاسی دوره پهلوی و از نزدیکان شاه، در این باره، در خاطراتش می‌نویسد: «کریم سنجابی، شخصیتی بود که چندین مشاورت دولتی را در آن واحد یدک می‌کشید. فروهر، که بدون شک در میان آن‌ها، صادق‌تر بود، وکیل دادگستری موفق و ثروتمندی بود که سمت مشاور قضایی وزارت کار و نیز، مشاور حقوقی بانک «سپه» و تصدی صندوق بازنشستگی ارتش شاهنشاهی را هم داشت.» با این حال، جبهه ملی نیز از این قبض و بسط در ارتباط با شاه، طرفی نبست و به هدف مدنظر خود، نرسید.

بازخوانی واقعه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در گفت‌وگوی خراسان با دکتر موسی حقانی، استاد تاریخ معاصر

شلیک شاه به نخبگان ایرانی با فرمان آمریکا

به شهادت رسیدن دانشجویان در دانشکده فنی دانشگاه تهران باعث شد مردم و به‌ویژه دانشگاهیان، نسبت به ماهیت استعماری ایالات متحده آگاه‌تر شوند و از این زمان به بعد، مبارزه با سلطه‌گری آمریکایی‌ها به بخشی جدایی ناپذیر از جنبش دانشجویی ایران تبدیل شد

بازسازی تصویر بخشی از حوادث ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در دانشگاه تهران

نوائیان/حلاجیان– جنبش دانشجویی در تاریخ ایران، عمری طولانی ندارد و شاید نتوان برای آن بیش از ۸۰ سال را تصور کرد؛ اما همین عمر کوتاه، پر از فراز و فرودهای مختلف و البته تأثیرهای ماندگاری است که این جنبش نخبگانی بر جامعه و ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن باقی گذاشت. برخلاف باور برخی از مورخان، جنبش دانشجویی در ایران، به‌رغم گرایش‌های اولیه به جریان‌های فراملی، خیلی زود جایگاه خود را به عنوان چشم تیزبین جامعه و حامی و پشتیبان پیشرفت آن پیدا کرد. حضور جوانان نخبه‌ای که درد را به خوبی تشخیص می‌دادند و با بی‌باکی و فداکاری بسیار، به دنبال درمان آن می‌رفتند، باعث می‌شد که جنبش دانشجویی در مسیر بلوغ و تکامل خود، سرعت مضاعفی داشته باشد. امروز، ۱۶ آذرماه و روز دانشجو، یادآوری یکی از نقاط عطف تاریخ جنبش دانشجویی ایران و نماد تبلور روح مبارزه با سلطه‌گری و وابستگی در نهاد این جنبش اصیل و پیشرو است. ۶۸ سال پیش در چنین روزی، با اوج گرفتن مخالفت‌های مردم و دانشجویان با ورود نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا به تهران، مأموران رژیم پهلوی به دانشگاه تهران ریختند و دانشجویان را به گلوله بستند. در این یورش وحشیانه، سه تن از دانشجویان دانشکده فنی به نام‌های مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و سیدمهدی شریعت‌رضوی به شهادت رسیدند. به مناسبت روز دانشجو و برای بررسی و تحلیل بیشتر این رویداد و نقش آن در جنبش دانشجویی، با دکتر موسی حقانی، محقق و پژوهشگر نام‌آشنای حوزه تاریخ معاصر و مدیر مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران هم‌کلام شدیم. او در این مصاحبه، واقعه ۱۶ آذر را نشان‌دهنده آگاهی و شناخت کامل دانشجویان و مردم ایران نسبت به ماهیت آمریکا و اقدامات این کشور دانست. دکتر حقانی معتقد است این رویداد نقش مهمی در سیر تکامل جنبش دانشجویی داشت و وقوع آن، مبارزه با سلطه‌گری آمریکا را به بخش جدایی ناپذیر این جنبش تبدیل کرد. آن‌چه در پی می‌آید، مشروح این گفت‌وگوست.

چرا باید واقعه ۱۶ آذر را در تاریخ جنبش دانشجویی ایران یک نقطه عطف بدانیم؟ آیا می‌توان رقم خوردن این رویداد تلخ را در راستای تلاش شاه برای جلب اعتماد بیشتر آمریکایی‌ها تعریف کرد؟

اتفاقی که در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ افتاد و دلیلی شد برای نام‌گذاری این روز به نام روز دانشجو، در یک شرایط خاص رقم خورد؛ هنوز چهار ماه از کودتای ۲۸ مرداد نگذشته بود؛ کودتایی که در آن انگلیس و آمریکا، دست به اقدام مشترک علیه نهضت ملی شدن صنعت نفت زدند. آن‌چه بعد از کودتا قابل مطالعه و مهم به نظر می‌رسد، نوع رفتار رژیم شاه با مخالفان سیاسی و چگونگی سرکوب آن‌هاست. این سرکوب‌ها نشان داد که علی‌رغم وقوع کودتا و حاکمیت جو اختناق در کشور، مردم هنوز بر آرمان‌های خودشان پافشاری می‌کنند. این ایستادگی بر آرمان، باعث آگاهی بیشتر و هوشیاری مضاعف اقشار مختلف مردم و به‌ویژه نخبگان دانشگاهی، درباره وقایع و رویدادهایی که اتفاق افتاده بود، شد. در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، دکتر مصدق و برخی از افراد وابسته به جریان جبهه ملی، به آمریکایی‌ها خیلی خوش‌بین بودند و گمان می‌کردند که می‌توانند از اختلافات میان آمریکا و انگلیس که در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمده بود، به نفع نهضت ملی شدن صنعت نفت و حقوق مردم ایران استفاده کنند. البته چنین نگاهی مربوط به افراد غیر وابسته بود؛ کسانی که خط و ربطی با آمریکایی‌ها نداشتند و این رویکرد را بر اساس جلب منافع ایران سازمان می‌دادند؛ غافل از این که آن‌چه بین آمریکا و انگلیس به عنوان اختلاف وجود داشت، نه بر سر حقوق ملت‌ها، بلکه به خاطر کسب منافع بیشتر از کشورهای تحت سلطه بود. خب، آمریکایی‌ها در ابتدا شعارهای ضداستعماری سر می‌دادند، مثل اقداماتی که از سوی روس‌ها، بعد از انقلاب اکتبر و حاکمیت مارکسیسم در این کشور، صورت می‌گرفت؛ آن‌ها هم شعار ضداستعماری سر دادند و مدعی آزاد کردن خلق‌های تحت ستم بودند؛ اما بعد خودشان به یک قدرت متجاوز، شبیه همان حکومت‌های استعماری تبدیل شدند که تنها فرقش، ادعای داشتن مرام مارکسیستی بود. قبل از وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، برخی از سیاسیون ایران باور کرده بودند که با آمریکایی‌ها، به دلیل شعارهای ضداستعماری‌ای که سر می‌دهند، می‌شود کار کرد؛ اما واقعه کودتا چشم فعالان سیاسی و مردم ایران را به حقایق تلخی گشود؛ هر چند که پیش از وقوع کودتا هم، برخی به این نتیجه صحیح رسیده بودند که اعتماد به آمریکا، خطای محض است و هشدار می‌دادند که «سگ زرد برادر شغال است» و آمریکا فرقی با انگلیس ندارد، اما دکتر مصدق و دولت او به هشدارها توجهی نکردند و شد آن‌چه نباید می‌شد.

برگردیم به بخش نخست سوال اول؛ این که چرا باید ۱۶ آذر را نقطه عطف بدانیم؟ دیگر این که چرا رژیم پهلوی برای مهار اعتراضات دانشجویی به آن خشونت شدید رو آورد و دانشجویان را هدف گلوله قرار داد؟

واکنش مردم ایران به ورود نیکسون به تهران، آن هم حدود چهار ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، نشان می‌دهد که ایرانیان موضع و هویت واقعی آمریکایی‌ها را شناخته بودند. به هر حال، بعد از آن واقعه تلخ، آمریکا سهم خودش را گرفته بود و نیکسون برای تحکیم روابط و زمینه‌سازی نفوذ بیشتر ایالات متحده در ایران به تهران می‌آمد و این بر مردم و به ویژه نخبگان دانشگاهی پوشیده نبود. با این حال، به دلیل جو پر اختناقی که حکومت کودتا بر کشور حاکم کرد، رژیم پهلوی احتمال نمی‌داد که چنین واکنش تند و سختی به خاطر ورود نیکسون، آن هم در دانشگاه تهران بروز کند. باور در بار این بود که بعد از کودتا، دیگر توانی در جریان‌های سیاسی و دانشجویانی که در این مسیر فعال هستند، وجود ندارد که بخواهند وابسته به جریان جبهه ملی، به آمریکایی‌ها خیلی خوش‌بین بودند و گمان می‌کردند که مخالفت گسترده‌ای را سازمان‌دهی کنند و البته، برای رژیم خیلی مهم بود که آمد و رفت نیکسون در شرایطی آرام و بی‌دردسر انجام شود؛ شاه دوست داشت به نوعی، آمریکایی‌ها را به نقش خودش در ایران مطمئن کند؛ نقشی که برای حفظ منافع آن‌ها در کشور ما اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. به همین دلیل، وقتی ماجرای اعتراض دانشجویان در دانشگاه تهران پیش آمد، دست به آن سرکوب گسترده زدند و سه تن از دانشجویان دانشکده فنی را به شهادت رساندند. بنابراین، می‌توان گفت که عامل اصلی سرکوب و به شهادت رساندن دانشجویان در واقعه ۱۶ آذر این بود که شاه و رژیم او می‌خواستند به آمریکایی‌ها اطمینان بدهند که همه چیز تحت کنترل آن‌هاست و در واقع، دانشجویان را پیش پای نیکسون و برای نشان دادن این مسئله، قربانی کردند؛ هر چند که از اقدام دانشجویان و اعتراضات گسترده مردمی در آن زمان، غافلگیر شده بودند. با این که فعالیت‌های جنبش دانشجویی، پیش از کودتای ۲۸ مرداد و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت در دانشگاه‌ها وجود داشت و مسیر خودش را طی می‌کرد، اما واقعاً می‌توان گفت که ۱۶ آذر برای حرکت‌های دانشجویی یک مبدأ مهم و تأثیرگذار تلقی شد و به عبارت بهتر، یک نقطه عطف در حیات سیاسی جنبش دانشجویی ایران بود. این اتفاق باعث شد که جنبش دانشجویی دانشجویان ایرانی در ایران و خارج از آن، به جریان و نمادی ضدآمریکایی تبدیل شود. همین جریان بود که در قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ به ایفای نقشی جدی پرداخت و یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری مبارزه با رژیم وابسته پهلوی بود. واقعه ۱۶ آذر یک سند غیرقابل انکار است که نشان می‌دهد دانشگاه ما و نخبگان دانشگاهی‌مان نسبت به سلطه‌گری آمریکایی‌ها در ایران حساس بودند و این جریان در دهه‌های بعد، عاملی برای شکل‌گیری گروه‌های سیاسی مخالف رژیم پهلوی در درون دانشگاه‌هاست؛ البته هر کدام از این جریان‌ها گرایش‌های مختلفی داشتند اما در مخالفت با سلطه‌گری آمریکا و وابستگی رژیم پهلوی، همه اتفاق نظر پیدا کرده بودند.

درباره دلایل نقطه عطف بودن ۱۶ آذر در تاریخ جنبش دانشجویی، به نکاتی اشاره کردید؛ آیا این جنبش در ادامه مسیر خود، نقاط عطف دیگری را هم تجربه کرد؟

مقطع دیگری که باید آن را یک نقطه عطف دیگر در جنبش دانشجویی بدانیم، قیام ۱۵ خرداد است. این واقعه در سیر تطور جنبش دانشجویی تأثیر بسزایی داشت؛ مهم‌ترین پیام این قیام آن بود که دیگر زمان مبارزه با رژیم پهلوی در چارچوب قانون اساسی مشروطه، چنان که گروه‌هایی مانند نهضت آزادی یا جبهه ملی اعتقاد داشتند، گذشته است. تا قبل از ۱۵ خرداد، این استنباط در بسیاری از این گروه‌ها و البته جریان‌های دانشجویی وابسته به آن‌ها وجود داشت که می‌توان رژیم را وادار به تمکین نسبت به قانون اساسی مشروطه و خلاصه شاه را وادار به ترک حکومت و انحصار در سلطنت ظاهری کرد؛ اما قیام ۱۵ خرداد بر این دیدگاه خط بطلان کشید و به تبع آن، گروه‌های مختلف و متعددی از دانشجویان فعال در جنبش دانشجویی ایران، فاز جدیدی از مبارزه را که امام خمینی(ره) مبدع و رهبر آن بود، برگزیدند. جنبش دانشجویی در این طی طریق، موضع و رویکرد ضدآمریکایی و ضدسلطه خودش را هم حفظ کرد و به اعتقاد من، این جزو صفحات زرین و پر افتخار جنبش دانشجویی در کشور ماست. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با وجود آن که برخی جریان‌ها در دانشگاه‌ها شکل گرفت و تلاش شد که ماهیت و روح جنبش دانشجویی ایران را که همان مبارزه با سلطه‌گری آمریکاست، از بین ببرند یا دست کم آن را ضعیف کنند، اما این هویت، همچنان در میان بخش مهمی از دانشجویان ما پایدار ماند و به راه خودش ادامه داد. به اعتقاد من جنبش دانشجویی ما خوب توانست این مسئله را مدیریت کند و حتی با رویکرد حمایت از مستضعفین و تقویت روحیه مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی، جایگاه خود را در جامعه بالاتر برد. در واقع این ویژگی، یعنی مطالبه‌گری و مخالفت با افراد یا گروه‌هایی که در پی غارت اموال عمومی و حیف و میل بیت‌المال هستند، شاخصه‌ای است که جنبش دانشجویی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه طی چند دهه اخیر واجد آن شد و این رشد و تکامل آشکاری بود که ما در این روند شاهد آن هستیم. از دیگر نکات مثبتی که باید آن را درباره شرایط و جایگاه جنبش دانشجویی طی چند دهه اخیر مورد توجه قرار دهیم، تلاش این جنبش در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی برای برداشتن بارهای بر زمین مانده و کمک به نظام جمهوری اسلامی برای حرکت در مسیر رشد و تعالی است.

مزار سه دانشجوی شهید ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در امامزاده عبدا... شهرری

دیدار شاه با نیکسون در دوران ریاست جمهوری وی در کاخ سفید

نوبت دوم
شناسه آگهی : ۱۲۳۵۰۷۷

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان
جهت ارزیابی کیفی مشاور

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۰۰۹۳۴۹۸۰۰۰۶۰۰
شماره مناقصه	۱۴۰۰/۹۲۰
موضوع	خدمات مشاوره بررسی و امکان سنجی، انجام مطالعات پایه، FEED و تهیه اسناد مناقصه EPC به منظور ارتقای میزان استحصال اتان در پالایشگاهای سوم و هشتم
مبلغ برآوردی مناقصه	۴۱,۳۵۹,۳۸۶,۱۱۲ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	مطابق با سامانه ستاد
آخرین مهلت بارگذاری وارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	مطابق با سامانه ستاد
آخرین مهلت بارگزاری پیشنهادات فنی و مالی در سامانه ستاد	بعد از مراحل ارزیابی کیفی و متعاقبا اطلاع رسانی میگردد
آدرس مناقصه گزار	استان بوشهر- شهرستان عسلویه- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی- ساختمان اداری مرکزی ستاد -امور پیمان ها

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد وبه پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.
مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۲۷۵۵ و ۲۷۵۹-۰۷۷۳۱۳۱۲۷۶۱ تماس حاصل فرمایند.

۶۶۶
روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
ب/۱۴۰۰۵۰۳۷۲

نوبت دوم
شناسه آگهی ۱۲۳۰۱۵۰

اداره کل گمرک استان البرز

آگهی مزایده

اداره کل گمرک استان البرز در نظر دارد یک قطعه زمین مزروعی سند تک برگ به مقدار یک هزار و پانصد و چهل سهم مشاع از صد و هفده هزار و پانصد و هفتاد و هفت سهم عرصه و اعیان واقع در چریش تپه نظرآباد کرج را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند لذا متقاضیان می توانند از تاریخ نشر این آگهی تا تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۱۵ جهت شرکت و دریافت اسناد و اطلاع از شرایط بازدید به آدرس کرج بالاتر از سه راه کیانمهر جاده ماهدشت گمرک فرودگاه پیام واحد مالی و همچنین به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۹/۶
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۹/۱۶
۶۴۳
حمید احمدی – مدیر کل گمرک استان البرز
ب/۱۴۰۰۴۸۲۸۲